

خوب، بد و زشت کارزار دیپلماتیک ژنو

امتیازدهی در خارج و توافق هسته‌ای با غرب، نباید به بهای افزایش اعدام‌ها و تشدید سرکوب در داخل صورت گیرد.
احمد هاشمی، کارمند سابق وزارت امور خارجه

سرانجام پس از چندین دور مذاکرات نفس گیر بین ایران و قدرت‌های جهانی، طرفین مذاکره بر روی متنی اولیه، کلی و تا حدی مبهم توافق نمودند تا با توجه به حساسیت موضوع، هر یک بتوانند با استفاده از این عنصر «ابهام» خود را پیروز میدان جلوه دهند. با این توصیف، توافق ژنو، راه را برای تاویل و تفسیر و اعلان توافقی هر یک از طرفین باز گذاشته است همچنانکه هر دو طرف مذاکره این ادعا را دارند. نکته دیگر اینکه بر خلاف تصور عمومی، انعقاد این توافق نامه، نه محصول مستقیم روی کار آمدن حسن روحانی بلکه ناشی از تغییر سیاست کلی نظام (یعنی شخص رهبر به عنوان تصمیم گیر نهایی و فصل الخطاب) به جهت تأثیرگذاری تحریم‌ها بوده است که حتی به قدرت رسیدن دولت تدبیر و امید نیز در این چارچوب قابل فهم هست. شاید بتوان با نگاهی حقوق بشر محور، توافق حاصله در این سه دور از مذاکرات و نتایج احتمالی آن را به «خوب، بد و زشت» طبقه بندی و تحلیل نمود:

خوب

با بهر مندی از پتانسیل‌های سیاست خارجی در یک ساختار دموکراتیک از قبیل سیاست حسن همجواری، هم افزایی، گفتگو، دیپلماسی و مذاکره همواره می‌توان برای مشکلات، ناسازگاری‌ها و اختلافات داخلی و خارجی راهحلی مسالمت‌آمیز پیدا کرد و نظامی‌گری همیشه آخرین و اجتناب‌پذیرترین گزینه‌ای است که می‌توان به آن متوسل شد. از این منظر، هر گونه مذاکره و حصول توافق بین ایران و جامعه جهانی اقدامی مثبت و گامی به پیش تلقی می‌شود. نفس اینکه بعد از ۳۵ سال، دولت مردان جمهوری اسلامی با شیطان بزرگ و دشمن شماره یک خود به طور آشکار دیدار و مذاکره می‌کنند گامی به پیش است. اینکه پس از گذشت ۱۰ سال از سیاست مخفی‌کاری، «مذاکره فقط برای مذاکره» و وقت‌کشی، اکنون گرفتاری‌های اقتصادی ناشی از پیامدهای تحریم‌ها علی‌خامنه‌ای را به مرحله‌ای رسانده که حاضر به «نرم‌شی قهرمانانه» در مقابل دشمن آشتی‌ناپذیر خود نموده می‌تواند پدیده‌ای میمون و مبارک تلقی شود. به طور ملموس‌تر، از آنجایی که توافق ژنو هرچند به طور موقت، راه را بر تحریم و فشار بیشتر بر اقتصاد کشور مسدود نموده، خطر رویارویی نظامی و به ویژه حمله احتمالی اسرائیل را در حد چشم‌گیری از بین برده و مهم‌تر از همه، تابوی مذاکره مستقیم با آمریکا را به عنوان یکی از ارکان ثابت سیاست خارجی جمهوری اسلامی، برای همیشه درهم‌شکسته است، شایان توجه و گامی مثبت است. چرا که همین شیطان بزرگ تا یک سال پیش به عنوان دشمن اصلی و علت‌العلل تمام مشکلات در کشور تلقی می‌شد و مذاکره با آن غیرممکن می‌نمود بطوریکه حتی دیپلمات‌های ایرانی از مبادله یک «لبخند» با هم‌تایان آمریکایی‌شان که دارای «دست‌های چدنی در زیر دستکش مخملی» بودند منع شده بودند. در هر صورت، با آغاز تأثیرگذاری تحریم‌های اعمالی غرب، گشتیبان را سیاستی دگر آمد و اکنون، اوامر و منویات ولی امر مسلمین جهان! بر این قرار گرفته است که دو رئیس‌جمهور حقوق‌دان (روحانی هم همچون اوباما خود را یک حقوق‌دان می‌داند) راه مذاکره و گفتگو را در پیش بگیرند که فی نفسه اقدام پسندیده‌ای است.

بد

مطالب مرتبط

[پرونده هسته‌ای با حقوق بشر کدامیک خطیرتر است؟](#)

آوریل 19, 2014

[توافق هسته‌ای ژنو از نگاه همسایه غربی، ترکیه](#)

دسامبر 5, 2013

[بحران دموکراسی و برآمد رژیم‌های «اقتدارگرای انتخاباتی»](#)

جولای 12, 2013

در کنار سکوت و چشم‌پوشی از موضوع حقوق بشر و اعدام‌های دسته‌جمعی که در ماه‌های اخیر شاهد آن هستیم، مشکل عمده توافقنامه ژنو در این است که حاکمیت جمهوری اسلامی پس ۱۰ سال تحمیل هزینه‌های سنگین بر دوش شهروندان خود، دست به انعقاد دیر هنگام توافقنامه‌ای زده است که دستاوردهای ایران در آن بسیار اندک بوده و نسبت به امتیازاتی که طرف غربی حدود یک دهه پیش در سال ۲۰۰۳ آماده بود به تهران واگذار کند این توافق یک شکست اساسی برای دستگاه دیپلماسی ما و طراح اصلی آن (علی خامنه‌ای) هست. یعنی در این توافق، طرف غربی برای عدم تصویب تحریم‌های جدید و تخفیف بار تحریم‌های موجود به طور موقت و مشروط موافقت نموده است. در حالیکه در آن زمان تحریم عمده‌ای وجود نداشت و ایران در مقابل دهی و چشم‌پوشی از برنامه هسته‌ای جاه طلبانه و توجیه ناپذیر خود، امتیازات و مشوق‌های بیشتری دریافت می‌کرد. برخلاف ادعای طرفداران این توافقنامه با منطبق «جلوی ضرر را هر وقت بگیرد منفعت است» ده سال اشتباه پرهزینه و سیاست‌های ویرانگر علی‌خامنه‌ای موضوعی

است که مدافعان نرمش قهرمانانه و حامیان ممانشات و سیاست‌های داهیانه رهبر! باید تشریح کننده آن باشند و می‌باید توضیح داده شود این جشن و سروری که جمهوری اسلامی با همراهی بخشی از به اصطلاح اپوزیسیون خارج نشین به راه انداخته‌اند چه مبنای واقعی دارد. نباید فراموش کرد این تأثیرات کمرشکن تحریم‌ها بود که خامنه‌ای را به تجدید نظر و نرمش قهرمانانه واداشت تا برای وادادگی و امتیاز دهی در برنامه هسته‌ای به دولت تدبیر و امید حسن روحانی “اختیار تام” بدهد و در این چارچوب، جواد ظریف از کارگزاران مورد وثوق و سینه چاک رهبر برای محقق کردن این نرمش قهرمانانه انتخاب گردید (افرادی که به دنبال ادله هستند به طور مثال می‌توانند به سخنرانی سینه چاکانه ظریف در مجلس شورای اسلامی در ابراز ارادت چندین باره به مقتدایش امام خامنه‌ای مراجعه کنند). و لذا تشبیه او و روحانی به امیرکبیر و دیگرانی که تا دیروز حتی “مسلم” بودند نشان هم محرز نشده بود (خمینی بارها در مسلمان بودن محمد مصدق تشکیک کرده بود) و مقایسه توافق ژنو با ملی شدن صنعت نفت، بی‌شرمانه، مضحک و مغایر با حقیقت هست. بنابراین، اگر بر فرض مثال، شق القمری هم در این مذاکرات رخ داده باشد انصاف حکم می‌کند که تحسین و تکریم‌ها و بهمه و چه چه گفتن‌ها به سوی مقام شامخ ولی امر مسلمین جهان! روانه شود که با تدبیر داهیانه و نرمش قهرمانانه! خود توانست کارگزار کارکنسته و دیپلمات باتجربه‌اش را برای معانقه و مصافحه با شیطان بزرگ به کارزار دیپلماتیک بفرستد.

زشت

زشت‌ترین جنبه و پیامد مذاکرات ژنو، به حاشیه رانده شدن هر چه بیشتر مباحث حقوق بشری، جامعه مدنی و مسئله زندانیان سیاسی و اعدامیان بود. در سطح بین‌المللی به دلیل امیدواری نسبت به حل مسئله هسته‌ای ایران در دولت روحانی، موضوع حقوق بشر مورد اغماض قدرت‌های جهانی قرار گرفته و از دستور کار فوری آن‌ها خارج شده است. در عرصه سیاست داخلی هم به طور مشخص، کریهت‌ترین صحنه‌ای که در روزهای بعد از روی کار آمدن دولت تدبیر و امید روحانی شاهد هستیم بی‌توجهی دولت جدید به اصول بنیادین حقوق بشر و تلاش جهت خاموش کردن صداهای مخالف و معترض به نقض گسترده حقوق بشر در کشور هست بطوریکه اصلاح‌طلبان درون حکومتی و اپوزیسیون ممانشات پیشه خارج نشین با مستمسک قرار دادن مذاکرات در حال جریان بین ایران و قدرت‌های جهانی و اغراق نمایی در مورد مخاطرات شکست مذاکرات و همچنین توانمندی دستگاه دیپلماسی کشور و دستاوردها و تغییرات احتمالی در حال وقوع، نهایت تلاش خود را بکار بسته‌اند تا هرگونه صدای اعتراضی به اعدام‌های گسترده و دسته‌جمعی اخیر در کشور را (نمونه‌های بلوچستان، کردستان و زندان قزل‌حصار کرج) خفه کنند تا به زعم خود در این مقطع حساس! (که مانند دیگر مقاطع حساس ادعایی، پایانی بر آن متصور نیست) مانع از وارد آمدن هرگونه خدشه و فشار به دولت روحانی شوند. در حالی تعریف و تمجیدها و بت سازی‌ها از دولت روحانی و دستگاه دیپلماسی‌اش گوش فلک را کر نموده است که این دولت به اصطلاح تدبیرمند، گزارش احمد شهید در مورد نقض فاحش حقوق بشر در ایران و از جمله در مورد اعدام‌ها را (که با روی کار آمدن دولت جدید به رقم بی‌سابقه ۴۰۰ نفر رسیده است) غیرواقعی و مغرضانه می‌خواند و خانم سخنگوی وزارت خارجه‌اش اصولاً این گزارش را به “رسمیت” نمی‌شناسد (یادآور “کاغذپاره” خطاب کردن قطع‌نامه‌های شورای امنیت توسط احمدی‌نژاد) و آقای ظریف در واکنش به روند فزاینده اعدام‌ها در کشور — که تداعی‌کننده کشتارهای دهه شصت و دوران طلایی امام خمینی! هست — با بی‌شرمی اعلام می‌کند هیچ‌کس در ایران به دلایل سیاسی اعدام نشده است. (یادآور انکار وجود همجنس‌گرایان در ایران توسط احمدی‌نژاد در دانشگاه کلمبیا و ادعای خمینی مبنی بر اینکه در جمهوری اسلامی حتی کمونیست‌ها نیز در فعالیت‌های خود آزاد خواهند بود). در این بین سادملوحانه ترین تحلیلی که می‌توان ارائه داد ترسیم چهره‌ای مستقل و میانه رو از روحانی و به ویژه وزیر خارجه‌اش جواد ظریف هست که در نزاع قدرت بین افراطیون و میانه‌روها در حال به چالش کشیدن تمامیت‌خواهی و خودکامگی افراطیون به سرکردگی خامنه‌ای، مصباح، جلیلی، احمد خاتمی، علم الهدی و غیره است.

روحانی، گورباچف جمهوری اسلامی؟

بسیاری از جوگرفتگان، خوش‌بینان و زودباوران سیاسی بر این باور هستند که حسن روحانی به عنوان چهره‌ای میانه رو، منجی و اصلاح گر، با ایجاد تغییرات گسترده و بنیادین، همان نقشی را بر عهده خواهد گرفت که میخائیل گورباچف در شوروی سابق ایفا نمود. با این وجود، در یک نگاه مبتنی بر واقع گرایی، باید گفت حسن روحانی، گورباچف جمهوری اسلامی نیست همچنانکه محمد خاتمی هم نبود. روحانی دارای پیشینه اطلاعاتی و امنیتی بوده و در کابینه‌اش افرادی حضور دارند که در کشتار زندانیان سیاسی و قلع و قمع مخالفان داخلی و اقدامات تروریستی در خارج از کشور دست داشته‌اند. زمانی که فرد جنایتکاری مانند مصطفی پورمحمدی در راس وزارتخانه حساسی چون وزارت دادگستری قرار می‌گیرد چگونه می‌توان انتظار فرج و گشایش از چنین دولتی داشت؟ برخلاف ادعای برخی جریانات سیاسی عمدتاً اصلاح طلب، روحانی و کابینه‌اش نمی‌توانند رودرروی خامنه‌ای قرار گرفته و چالشی برای سیاست‌های تندروانه وی ایجاد کنند. نمی‌توان روحانی را یک رهبر اصلاحی نامید که با ایجاد تغییرات اساسی، موجبات تزلزل و یا تحولات بنیادین در سیاست‌های جمهوری اسلامی را فراهم آورد. وی در بهترین حالت می‌تواند به پوری آندروپوف، سلف میخائیل گورباچف تشبیه شود. آندروپوف از روسای جمهور میانه رو ولی طرفدار سرسخت استمرار سیاست مشد آه‌نین در کشور شور‌ا‌ها بود و پیش از ارتقا به مسند ریاست جمهوری، ریاست پلیس مخفی شوری سابق را بر عهده داشت. حسن روحانی هم در دهه هفتاد شمسی از نیروهای امنیتی-اطلاعاتی مورد وثوق و محرم اسرار علی خامنه‌ای، مذاکره کننده ارشد هسته‌ای و رئیس شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی بود که بیش‌ترین سهم را در مخفی‌کاری، فریب و گمراه کردن جامعه بین‌المللی در مورد برنامه هسته‌ای ایران بر عهده داشت.

امید است حال که روند مذاکرات با سلام و صلوات و جشن و پایکوبی در حال رسیدن به سر منزل مقصود است وقت آن رسیده باشد که تمامی کنشگران سیاسی باورمند به دموکراسی و آزادی، یک‌صدا به روند فزاینده اعدام، کشتار دسته‌جمعی، خشونت علیه فعالان قومی، زنان و اقلیت‌ها و به طور کلی به فضای تشدید شده سرکوب در کشور یک «نه» بزرگ بگویند و به میزان اندکی هم که شده در این زمینه به دولت روحانی انتقاد و فشار وارد نمایند. امتیازدهی در خارج و توافق هسته‌ای با غرب، نباید به بهای افزایش اعدام‌ها و تشدید سرکوب در داخل صورت گیرد. در این راستا، سکوت و بعضاً رضایت ضمنی و کلاً مواجهه غیرخردمندانه برخی از احزاب سیاسی درون حکومتی عمدتاً اصلاح‌طلب و اپوزیسیون خارج نشین با اعدام‌های گسترده اخیر مایه شرمساری و نگرانی عمیق است.

<http://ahmaddhashemi.blogspot.com>

<https://shahrgon.com/%D8%AE%D9%88%D8%A8%D8%8C-%D8%A8%D8%AF-%D9%88-%D8%B2%D8%B4%D8%AA-%DA%A9%D8%A7%D8%B1%D8%B2%D8%A7%D8%B1-%D8%AF%DB%8C%D9%BE%D9%84%D9%85%D8%A7%D8%AA%DB%8C%DA%A9-%DA%98%D9%86%D9%88>

<http://www.iran-chabar.de/article.jsp?essayId=56878>